



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

چراغ ایزد افروز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چراغ ایزد افروز

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ چراغ ایزد افروز
۶ مشخصات کتاب
۶ کلام نخست
۷ رسول اکرم پیامبر درس نخوانده یا نابغه
۷ نبوغ محمد
۷ پیامبر امی
۸ پیامبر و شاعران
۸ رسول اکرم و دیگر ادیان و آیین ها
۸ پیامبر و حنفاء
۹ پیامبر و یهودیان
۹ پیامبر و مسیحیان
۱۰ کلام آخر
۱۱ پاورقی
۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چراغ ایزد افروز

مشخصات کتاب

نویسنده: مجله حوزه

ناشر: مجله حوزه

کلام نخست

کوه حرا در اطراف مکه که هر ساله در ماه رمضان بر پاک ترین مرد زمانه آغوش می گشاید، در این سال شاهد وقوع پدیده ای شگفت است، دیوارها، قطعه قطعه ی سنگ ها، در نوای مناجات این مرد نرم شده اند، در برابر روح پرستنده و بی آرایش او سر فرود آورده اند که ناگاه نوایی بس پرمهابت لرزه بر پیکره ی کوه می افکند، ندایی که آن مرد را به نام می خواند و بشارت می دهد که از سوی خالق جهان به شرف نبوت شرافت یافته، تا انسان های سرگشته در تاریکی های جهل را به روشنایی و نور راهبر شود. و این آغازی است بر رنج های بی شمار مردی که تا آن زمان محمد امین بود و پس از آن شب محمد رسول الله خاتم النبیین (ص) شد. رنج هایی که تنها شانه های استوار و ایمان نستوه او توان تحمل آن را داشت، مردی که در تمام کائنات یگانه بود و بر این یگانگی، محبوب پروردگار عالمیان شد. قریشیان، تا آن زمان محمد را امین مکه می دانستند و در حل اختلافات او را حکم می کردند، اما پس از آگاهی بر رسالتش، به یکباره چون تمام دنیای خود را در برابر پیام رهایی بخش او در خطر دیدند با تمام قوا و با هر آنچه در توان داشتند علیه وی به پاخاستند، ولی چه بیهوده تلاشی، که آن کس را که خداوند عزیز گرداند اگر تمامی جهانیان گرد آیند نخواهند توانست اندکی از عزت وی بکاهند، و مشرکان بر اسرار و قدرت خداوند بس ناآگاه بودند و گذشت زمان این سرخداوندی را بر آنان آشکار ساخت. ولی اینک با گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال از بعثت آن بزرگمرد تاریخ بشریت و آخرین حلقه اتصال آسمان و زمین، هنوز نوای تشکیک از سوی نه مشرکان که دینداران دیگر ادیان که بر دینداری خویش داعیه بسیار دارند شنیده و خوانده می شود؛ و عجیب آنکه پیروان هر دین و آیینی، قرآن و پیام رسول اکرم را نسخه برداری از کتاب آسمانی و دین و آیین خود می پندارند، اینان دیدگان حقیقت بین خود را بر این مسئله می بندند که استواری دین اسلام، حق جویی و تازگی آن برای نومسلمانان حتی در دنیای پیشرفته غرب، خود می تواند حجتی بر اصالت پیام رسول اکرم باشد. این نوشتار فرصتی است برای پاسخگویی به آن دسته از مشرکان نوینی که شرک خود را در پس ادیان گوناگون پنهان ساخته و بر آخرین حجت حق، رسول اکرم محمد مصطفی (ص) اشکال می گیرند و او را نابغه و یا شاعری چیره دست می خوانند نه پیامبری که از جانب خداوند بر هدایت خلق مبعوث شده است؛ و این نیست مگر عناد دیرپای معاندان که بر سعی باطل خود باور دارند ولی حُبث طینتشان، آنان را بر طریقی چنین گمراه نگاه داشته است". نویسندگان غربی که همه پدیده ها را با اصول مادی مورد مطالعه قرار می دهند... می کوشند که نبوت پیامبران و زیر بنای این موهبت الهی را که وحی باشد با اصول مادیگری توجیه و تفسیر نمایند و آنچه را که پیامبران از شنیدن وحی و رویت فرشته مدعی هستند همه را مولود تخیل و تجلی شخصیت دوم پیامبران معرفی کرده و فداکاری و تلاش های توانفرسای آنان را نتیجه یک عمر فرورفتگی در خویش و فکر و اندیشه پیرامون نجات قوم خویش می دانند. [۱]. در این میان تنی چند از مستشرقان و سرسلسله آنان یک یهودی آلمانی، در صدد هستند با تشکیک در رسالت نبی مکرم اسلام، اعتبار قرآن را به عنوان تنها سخن الهی که دچار تحریف نشده است زیر سوال برند. بنیاد تمام تفاسیر غیرالهی این مستشرقان از بعثت پیامبر اسلام و محوری ترین سخن ایشان این است که: محمد نابغه و ابرمردی است که با مطالعه در متون یهودیان و مسیحیان و اقتباس از آنان توانسته بنیاد اندیشه و تفکر خود را پی ریزی کند. این مدعیان برای اثبات نظر خویش بر چند مورد تاکید فراوان

دارند:- انکار امی بودن (فاقد توانایی خواندن و نوشتن) پیامبر؛- داشتن روابط فکری با علمای یهود و نصاری؛- داشتن روابط فعال با مراکز فکری - فرهنگی خارج عربستان. این موارد خلاصه ای از ادعاهای منکران بعثت نبی مکرم اسلام است که توسط گلدزیهر آلمانی - یهودی و درمنگام و بعضی غرب شیفتگان بیان می شود، و ما در صدد هستیم با ارائه دلایل عقلی، باطل بودن این ادعاها را آشکار سازیم.

رسول اکرم پیامبر درس نخوانده یا نابغه

نبوغ محمد

نبوغ پیامبر اسلام، امری است که مستشرقان و معاندان جدید رسول خدا (ص) نیز به آن اذعان و اعتراف دارند و چنانکه گفتیم یکی از پایه های تفسیر غیرالهی ایشان از بعثت وی نیز همین اعتقاد به نبوغ و برخورداری آن حضرت از بهره هوشی بسیار بالاست. مسلمانان هم طبعاً اصل بهره مندی پیامبر اسلام از نبوغ را باور دارند. در این نکته جای هیچگونه مناقشه ای نیست، بلکه مناقشه در نتیجه ای است که مستشرقان از نبوغ محمد (ص) گرفته و اذعان و اعتراف به آن را برای تفسیر غیر الهی خود از بعثت کافی دانسته اند. برای رد این ادعا می توان گفت " نه علمای روانشناسی و تربیتی بر فعلیت یافتن ظرفیت هوشی نوابغ، بدون محیط رشد مناسب باور دارند و نه تاریخ، نوابغی سراغ دارد که بدون مکتب و مدرسه و معلم و محیط مناسب... به شکوفایی رسیده باشند [۲] به راستی آیا می توان تصور کرد که فردی برخوردار از استعداد خدایی و هوش بسیار بدون دستیابی به آموزش و بدون پرورش آغازگر نهضت بزرگی شود که تاکنون ادامه دارد

پیامبر امی

مفسران، محققان و مستشرقان در باب واژه امی و معنای آن اتفاق نظر ندارند. برخی از ایشان واژه امیین در آیه " هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته "... را به معنای مشرکین و اعراب که اهل کتاب نبودند، گرفته اند. برخی نیز امی را مأخوذ از ام القری و منسوب به آن دانسته و نوشته اند که اطلاق امی به حضرت رسول از آن جهت است که اهل و ساکن ام القری یعنی مکه بود. غالب علمای لغت هم، امی را به معنای کسی که قادر بر خواندن و نوشتن نباشد گرفته اند. در قرآن کریم دو بار در سوره اعراف از حضرت محمد به عنوان امی یاد شده است. غالب مفسران در معنای امی به نقل معانی متعدد یاد شده پرداخته و سرانجام معنای صریحی از آن به دست نداده اند. به این ترتیب به نظر می رسد که از طریق واژه مذکور، عدم توانایی رسول خدا را بر قرائت و کتابت نمی توان ثابت کرد. ولی با این حال قریب به اتفاق علمای مسلمان در امی بودن پیامبر، در سالهای قبل از بعثت تردیدی ندارند. تعدادی از همین علماء، البته نه مبتنی بر دلایل تاریخی روشن، بلکه بر اساس استدلال عقلی که سواد، کمال است و پیامبری که دارای تمام کمالات است، نمی باید بعد از بعثت از این کمال بی بهره باشد، معتقدند که حضرت رسول پس از بعثت سواد آموخته و بر قرائت و کتابت توانایی یافته است " آیه " و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب ولا تخطه بيمينک اذا لارتاب المبطلون " (تو پیش از نزول قرآن نه هیچ کتابی می خواندی و نه با دست خویش آن را می نوشتی، اگر چنان بود باطل گرایان به شک می افتادند) صراحتاً بر عدم توانایی حضرت رسول در سالهای قبل از بعثت بر قرائت و کتابت تاکید می کند... که جمله انتهایی آیه، ضمن اینکه ارائه قرآن را با عنایت به بی سوادی پیامبر، به خودی خود اعجازی برای آن حضرت و صدق الهی بودن بعثتش می شمارد، تلویحاً بیانی تحریک آمیز نیز هست. بدیهی است سکوت تایید آمیز قریش در مقابل این آیه و عدم ادعایشان در با سوادی حضرت رسول، علی رغم بیان انکاری آیه، بارزترین دلیل بر بی سوادی آن حضرت است [۳]. انکار بی سوادی پیامبر اسلام، از

سوی مدعیان یهودی و مسیحی به این معنی است که او در دوره قبل از بعثت معلمانی داشته که نزد ایشان قرائت و کتابت را آموخته است. ناگفته معلوم است که اگر پیامبر چنین معلمانی می داشت، طبعاً قریش از وجود آنان آگاه بودند و آنها را معرفی می کردند. اما قریشیان هیچگاه مدعی نشدند که پیامبر نزد کس یا کسانی قرائت یا کتابت آموخته است.

پیامبر و شاعران

ادعای شاعری پیامبر هم از سوی منکران قریشی ایشان و هم از سوی مستشرقان عصر حاضر مطرح شده است. "شاعران، در میان اعراب، عالمان، مورخان و روشنفکران جامعه محسوب می شدند. این سخن درستی است که شعر دفتر عرب است دفتری که تمام اندیشه ها، عقلیات و حکمت و فرهنگ و دانش عرب در آن انعکاس دارد ["۴"]. شاعران در میان اعراب جایگاه فرهنگی ویژه ای داشتند و مجبور بودند تمامی اطلاعات ممکن و لازم را گردآوری کنند، تا به هنگام ضرورت آنها را در خدمت شعر خود درآورند و به عنوان سلاحی برای دفاع از قبیله خویش مورد استفاده قرار دهند. عرب جاهلی به هنگام جنگ بر هر چیزی که می توانست با قبیله رقیب مباحثات می کرد و در این میان که شعر به سلاح خیال پردازی و غلو مجهز است می توانست در مفاخره و گردن فرازی بسیار به کار اعراب آید". اگر قرار بود پیامبر اسلام، دستمایه هایی برای اعتلای دانش و آگاهی خویش جستجو کند طبعاً باید با همین شاعران که دانشمندان جامعه حجاز بودند، مربوط می شد و در جمع ایشان رفت و آمد می کرد و همانند ایشان با این دفتر عرب پیوستگی می داشت، اما نه تنها هیچ سند تاریخی از رابطه پیامبر اسلام با شاعران در دست نیست، بلکه گزارش هایی در دست داریم که خلاف این ادعا را نیز آشکار می سازد ["۵"] طبری (تاریخ نگار معتبر اسلام در سده) از پیامبر اکرم نقل می کند که ایشان شعر را دوست نمی داشتند. علاوه بر این پیامبر اکرم برخلاف اعراب که شعرشناس بودند یا اشعاری را از حفظ داشتند هیچگاه "شناخت دقیقی از قالب های شعری نداشتند ["۶"] و قرآن کریم به حق در این باره می فرماید: "و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له". (سوره یس آیه ۶۹)

رسول اکرم و دیگر ادیان و آیین ها

پیامبر و حنفاء

حنفاء (جمع حنیف) بت پرستان مکه بودند که در آستانه ظهور اسلام، از بت پرستی روی بر تافتند و خود را پیرو آیین حضرت ابراهیم شمردند. به عبارت دیگر، اینان روشنفکران و عناصر مرفقی و آگاه جامعه خویش بودند که با غور و تفکر در نظم آفرینش از یک سو و ناتوانی بتان از سوی دیگر به باطل بودن بتان و وجود خالق یکتا ایمان یافته بودند. از میان حنیفان پیش از اسلام می توان به ابوذر غفاری اشاره کرد. مستشرقان ادعای پیامبر بر نبوت را ادامه جریان حنفا در حجاز می دانند ولی در این باره می توان ایرادهایی را وارد دانست. اگر اسلام در پیوند با حنفا بود باید یکی از حنیفان مشهور به رهبری این جریان می رسید، و یا حنیفان باید جزء اولین ایمان آورندگان بوده باشند ولی تاریخ نشان می دهد که "جریان حنفاء عقیم است و دین اسلام بدون کمترین پیوند با ایشان پدید می آید.... تاریخ چهره تمام حنفای مکه را می شناسد؛ شگفت تر اینکه پس از بعثت پیامبر هم، هیچکدام از حنفاء به آن حضرت ایمان نیاوردند؛ با آنکه اگر او نماینده اقشار تکامل یافته اجتماعی جامعه خویش بود، علی القاعده باید نخستین کسانی که به او ایمان می آوردند و او را همراهی می کردند، همین حنفاء باشند. حنفاء نه تنها پس از بعثت پیامبر به آن حضرت ایمان نیاوردند، بلکه بعضی از ایشان، نظیر امیه بن ابی الصلت، به دشمنی با آن حضرت برخاست و در رثای کشته های مشرکین در جنگ بدر، اشعاری سرود ["۷"].

پیامبر و یهودیان

یکی از مهم ترین ادله مستشرقین (البته به زعم خودشان) بر واهی بودن بعثت پیامبر ارتباط آن حضرت با علمای یهودی است. یهودیان در یکتاپرستی خود را پیشگام تمام ادیان می دانند و بر پیروان دیگر ادیان در این زمینه مباحثات می کنند و چنان پیامبران سایر ادیان را منکر می شوند که گویی خداوند در بعثت انبیا می بایست از آنان اجازه می گرفت؛ از اینرو با این که در کتاب تورات (البته کتاب بدون تحریف تورات) نام و نشان پیامبران پس از موسی ذکر شده بود ولی یهود، تمام این انبیا را منکر شدند و برای انکار آنان، آن سخنان الهی (انجیل و پس از آن قرآن) را نسخه برداری از تورات و عهد عتیق خواندند؛ این در حالی است که ادعای آنان که عمری به درازای تاریخ اسلام دارد تنها به نبی مکرم اسلام محدود نمی شده است و حضرت مسیح نیز مورد این ادعای یهودیان قرار گرفته است. در باره این ادعای یهود می توان گفت: "مرکز یهودیت حجاز، شهر یرث بود. بر خلاف این شهر، مکه هرگز مرکز زندگی یهود نبود و یهودیان در آنجا توطن نداشتند. تعرض گسترده قرآن در سوره های مدنی به یهودیان و سکوت مطلق این کتاب آسمانی در آیات مکی در باره آنان، آشکارا حاکی از آن است که در این شهر خبری از وجود یهودیان، و یا نفوذ آنان نبوده است. طبعاً اگر جریان غیر از این بود، قرآن در آیات مکی متعرض ایشان می شد و آنان را همچون مشرکین مکه، مورد خطاب قرار می داد و یا از عناد ایشان سخن می گفت ["۸"]. ولفنسون نویسنده یهودی، تصریح می کند که قبل از بعثت، یهودی عالمی در مکه زندگی نمی کرده است. "درست با توجه به این نکته است که می توانیم نتیجه بگیریم پیامبر اسلام قبل از بعثت، در مکه با هیچ عالم یهودی ارتباط نداشته است تا بتواند آیین و رسالت او را از این طریق تبیین بشری نمود." طبعاً اگر محمد (ص) کمترین پیوند فکری با یهودیان داشت و از آنان چیزی می آموخت، ایشان با توجه به کینه شدیدی که نسبت به وی داشتند، این معنی را در همان زمان که قریش به دنبال یافتن معلم و آموزگاری برای محمد بودند، آشکار ساخته، نمی گذاشتند تا برخی مستشرقین یهودی، پس از هزار و چهار صد سال، زحمت طرح ادعایی بی سند و مبنا را بکشند." یک اسلام شناس غربی درباره ادعای یهودیان مقایسه ای میان قرآن و تورات انجام داده است تا تفاوت های آن دو و ادعای باطل یهودیان را آشکار سازد: "در باب آفرینش، عدم تشابه میان معلومات عهد عتیق و آیات قرآن جالب توجه است و خصوصاً پاسخگوی این اتهام بی ربط و بی پایه به پیغمبر اسلام است که از آغاز اسلام تاکنون تکرار می شود. بدین بیان که: وی به نسخه برداری و رونویسی روایات عهد عتیق پرداخته است.... فرضیه رونویسی از عهد عتیق غیر قابل دفاع است، زیرا گزارشی که قرآن از آفرینش عرضه می کند، با گزارش عهد عتیق تفاوت کلی دارد.... این مطلب به همان اندازه بی بنا و بنیاد است که گفته می شود پیغمبر اسلام (ص) از تعلیمات مذهبی یک راهب مسیحی استفاده کرده است. ["۹"]. برای روشن تر شدن این مطلب بهتر است به تصویری که قرآن از پیامبران یهود نظیر داود (ع) ارائه می کند با تصویر توراتی آنان مقایسه شود. قرآن داود را چنین معرفی می کند: به او مقام حکم فرمایی و دانش عطا کردیم (انبیا ۷۸ و ۷۹)، بهره داود به فضل و کرم خداوند کامل شد (سبا ۱۰)، نیرومند بود و به درگاه ما توبه و انابه می کرد (ص ۱۷). در صورتی که یهودیان در تورات تحریف شده به این پیامبر خدا، نسبت رابطه نامشروع با زنی شوهردار وارد می سازند. این خود گوشه اندکی از نارسایی بسیار این ادعاست.

پیامبر و مسیحیان

این ادعا که پیامبر اسلام، تعالیم خویش را تحت تاثیر آموزش علمای نصاری عرضه داشته است، مطلبی نیست که تنها برخی از مستشرقان قرون اخیر آن را عنوان کرده باشند، بلکه اشراف قریش نیز که می دیدند تهمت های گوناگون آنان به پیامبر، در نظر همگان سست و بی پایه است و شخصیت وی با شاعران، کاهنان و ساحران تفاوت فاحش دارد، سرانجام تصمیم گرفتند برای آن

حضرت معلمی دست و پا کنند. حاصل این تلاش این بود که آهنگری رومی را که در نام او نیز اختلاف وجود دارد، به عنوان آموزگار وی معرفی کردند، و گفتند که چون دیده اند محمد (ص) گاهی برای دیدن چگونگی ساخت شمشیر به محل کار این آهنگر می رفته، پس تعالیم خود را از وی که زبان عربی را هم درست نمی دانسته، فرا گرفته است "قرآن مجید در پاسخ این تهمت می گوید: لسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی مبین (زبان کسی که به آن اشاره می کنند غیرعربی است در صورتی که این قرآن به زبان عربی آشکار است) (نحل ۱۰۳ ("۱۰"). و اما در این باره با دلایل تاریخی و منطقی می توان گفت: در مقایسه با یهودیت، نفوذ مسیحیت در سراسر حجاز بسیار محدود بود. این محدودیت در شهر مکه به حدّ اعلی می رسید. اصولاً با توجه به خصایص جهان شناسی مسیحی آن روز، علمای این مذهب اغلب ترجیح می دادند تا در مراکزی دور از شهرها زندگی کنند و عمر خود را به عزلت و گوشه گیری بگذرانند؛ بنابراین این باید پرسید که معدود معلمان فرضی مسیحی محمد (ص) چه کسانی بودند. مسیحیان بردگانی بودند که از شهرها و نقاط دیگر خریداری شده و در مکه نزد اربابان خویش زندگی می کردند و از طریق انجام خدمات و فعالیت هایی خاص، درآمد و ثروتی برای اربابان خود تدارک می دیدند.... برخی از مستشرقین تلاش بی ثمر و متروک بعضی از علمای مسیحی قرون وسطی را زنده کردند و مدعی شدند که پیامبر اسلام، مبانی آیین خویش را از دو راهب مسیحی (بحیرا و راهب بصری) اخذ کرده است ["۱۱]. ولی اساساً ملاقات پیامبر اکرم با این دو راهب مسیحی از سوی تاریخ نگاران جای شک و شبهه دارد و بسیاری از آنان در پایان نقل این داستان با جملاتی از قبیل الله اعلم فقدان منابع معتبر در این باره را آشکار ساخته اند. حال بر فرض وقوع این ملاقات ها " آیا می توان سرچشمه آموزشهای پیامبر اسلام را آن دو راهب مسیحی دانست؟ آیا انسان عاقل و اندیشمند، می تواند دو ملاقات کوتاه را که به فرض صحت وقوع، گذرا و شتابزده دقایقی به هنگام عبور کاروان روی داده و متن سخنان رد و بدل شده در آنها هم جز پیشگویی رسالت رسول خدا، حاوی هیچ سخن دیگری نیست، مبنای تکوین آیین گسترده اسلام در اندیشه پیامبر بداند؟ این ادعاهای سست ممکن است معاند را به ظاهر ساکت کند، اما خرد خردمندان را قرار و آرام نمی دهد ["۱۲]. مرحوم دکتر رامیار (در این باره) می نویسد: آن معارف عالیّه قرآن کجا و این چند تن مرد گمنام و یا افسانه ای کجا که حداکثر، راهب دیر دور افتاده بصری و یا زاهد عزلت نشین مکه و یا آهنگر سرگذر و یا چند تن سرباز حبشی و امانده از لشکر ابرهه بوده اند. این سخنان بیشتر به شوخی های سبک مردم سبک مغز می ماند تا به سخنی جدی و در خور اعتناء. چنین است که قرآن با لحنی قاطع این سفاهت ها را می کوبد و اعلان می کند: " و ما کان هدا القرآن ان یفتی من دون الله و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الكتاب لاریب فیه من رب العالمین (" و این قرآن نه چنان است که کسی جز به وحی خدا تواند یافت، و لیکن سایر کتب آسمانی را نیز تصدیق می کند و کتاب الهی را تفصیل می دهد که بی گفتگو از جانب پروردگار جهانیان است). (یونس / ۳۷)

کلام آخر

اگر انگیزه عناد را برای گلدزیهر و دیگر مستشرقینی که نبوت پیامبر مکرم اسلام را منکر می شوند، نپذیریم، لااقل باید بگوییم که اینان نمی دانسته اند که با انتساب این موارد به پیامبر اسلام به راهی رفته اند که مشرکین قریش رفتند. به عبارت دیگر قریشیان و اعراب بادیه نشین صدر اسلام که همه بر جاهل بودن آنان اذعان دارند همان دلایلی را اقامه کرده اند که اینک افرادی که داعیه برخورداری از دانش روز دارند. خداوند این آیات را نه تنها برای قریشیان، که برای تمام منکران در سراسر تاریخ گفته است: " فلا اقسام بالخنس الجوار الكنس و اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس انه لقول رسول کریم ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین و ما صاحبکم بمجنون و لقد راه بالافق المبین و ما هو علی الغیب بضنین و ما هو بقول شیطان رجیم فاین تذهبون ان هو الا ذکر للعالمین لمن شاء منکم ان یستقیم و ما تشاؤون الا ان یشاء الله رب العالمین. سوگند به اختران گردان که نهان شوند و از نو آیند،

وبه شب چون روان گردد و به صبحدم آنکه که نفس برکشد که این قرآن سخن فرستاده ای گرانقدر است، نیرومند که در پیشگاه خداوند عرش صاحب اختیار مطلق است. هم مطاع و هم امانتدار است؛ رفیق شما مجنون نیست. بی شک رسول شما و آن رسول آسمانی، در افقی بالاتر با هم دیدار کرده اند. دانش غیبی بخیل نیست و قرآن سخن شیطان مطرود نیست. پس به کجا می روید؟ این قرآن فقط یادواره ای برای جهانیان است، برای کسی از شما هم که بخواهد در راه راست قدم بگذارد و شما نمی خواهید مگر آنکه خدا پروردگار عالمیان خواسته باشد ("تکویر، آیات ۱۶ الی ۲۹) و اما در مورد ادعای پایانی مستشرقان مبنی بر ارتباط پیامبر اکرم با خارج شبه جزیره باید گفت که رسول مکرم اسلام تنها یک بار آن هم در بیست و پنج سالگی با کاروان تجاری خدیجه به شام سفر کرد و این سفر بهانه ای به دست مغرضان و دیرباوران داده تا سرچشمه قرآن را در این سفر در شام جستجو کنند. آیا کسی که واجد این میزان ذخایر عقلی است که می تواند نام او را از گمنامی به در آورد، این ذخایر را در اختیار جوانی از صحرای عربستان می گذارد که در پناه آن به بلند آوازه ترین مرد تاریخ بشری تبدیل شود؟ به هر روی به نظر می رسد معاندان دین اسلام که بر پوشالی بودن تمام آیین ها و ادیان موجود و درخشش اسلام در برابر آنها باور دارند در صدد هستند با دانش اندک و جان های بی مقدار خویش این درخشش را از اسلام بازستانند ولی مثل این معاندان و درخشش قرآن و اسلام مانند روشنایی گرم شب تاب در برابر خورشید عالم تاب است.

پاورقی

[۱] سبحانی. جعفر. راز بزرگ رسالت. ص ۱۶۲.

[۲] زرگری نژاد. غلامحسین. تاریخ صدر اسلام، عصر نبوت. ص ۲۰۰.

[۳] همان ص ۲۰۱.

[۴] همان ص ۲۰۴.

[۵] همان.

[۶] همان.

[۷] همان ص ۲۰۵.

[۸] همان ص ۲۰۶.

[۹] همان ص ۲۰۷.

[۱۰] سبحانی ص ۱۹۰.

[۱۱] زرگری نژاد. ص ۲۰۸.

[۱۲] همان ص ۲۰۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

